

ناسیونالیسم، قومیت و قوم‌گرایی

مطالعه موردی شهر بجنورد

سید آیت الله میرزایی*

معصومه عیدی**

چکیده

در این مقاله رابطه ناسیونالیسم (باستانی، مدنی و مذهبی) با متغیرهای قومیت و قوم‌گرایی در میان گروه‌های قومی (تات، ترک، ترکمن، فارس و کرد) ساکن در شهر بجنورد مورد بررسی قرار گرفت. برای انجام پیمایش و توزیع پرسشنامه نمونه‌ای به حجم پانصد نفر به شیوه نامتناسب از میان مردان و زنان هیجده سال به بالای ساکن شهر بجنورد انتخاب شد. نتایج نشان داد؛ از میان متغیرهای مورد آزمون تنها دو متغیر مذهب و فاصله نسلی با ناسیونالیسم باستانی رابطه معنادار دارد و سایر متغیرها رابطه معناداری ندارند. همچنین از میان متغیرهای مورد آزمون فقط رابطه میان دو متغیر فاصله نسلی و سطح تحصیلات با ناسیونالیسم مذهبی معنادار است. ناسیونالیسم مدنی با هیچ کدام از متغیرهای مورد آزمون رابطه معناداری ندارد. رابطه بین قومیت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سطح تحصیلات و جنس نیز معنادار بود و سایر متغیرهای مورد نظر رابطه معناداری با قوم‌گرایی نداشتند. در پایان می‌توان گفت گرایش به ناسیونالیسم مدنی اولویت اول و غالب مردم شهر بجنورد است و سپس ناسیونالیسم باستانی و ناسیونالیسم مذهبی در اولویت‌های بعدی آنها قرار

* استادیار رشته جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ayatmir@ihcs.ac.ir
** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
pjavan2020@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۲

دارند. همچنین رابطه ضعیف و مثبتی بین قوم‌گرایی و گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیسم ایرانی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ناسیونالیسم باستانی، ناسیونالیسم مدنی، ناسیونالیسم مذهبی، قومیت، قوم-گرایی، بجنورد

۱. مقدمه و طرح مسئله

در این پژوهش به بررسی رابطه ناسیونالیسم (باستانی، مدنی و مذهبی)، قومیت و قوم-گرایی در میان گروه‌های قومی (تات، ترک، ترکمن، فارس و کرد) ساکن شهر بجنورد پرداخته می‌شود. در این پژوهش منظور از گروه قومی "جمعی است در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی است، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تاکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی مثل (زبان و مذهب) است که بر اساس آن‌ها هویت گروه مشخص می‌شود با این ویژگی که گروه‌های قومی از تعلقاتشان به گروه آگاهی دارند و این آگاهی نیز در کشاکش تصورشان از دیگران شکل می‌گیرد" در همین راستا قوم‌گرایی هم به معنی تمایل به در نظر گرفتن روش‌های فکری و رفتار گروه خود به عنوان معیار عام است که می‌تواند منجر به تمایل فرد به برون‌گروه باشد که در صورت وجود قوم‌گرایی شدید افراد برون‌گروه را تحقیر کرده و ارزش‌های آن‌ها را طرد کند و به قول سامنر منجر به خوشبینی و افتخار نسبت به خودی و بدبینی و تحقیر نسبت به غریبه‌ها و اقوام دیگر می‌شود. رفتارهای قوم‌گرایانه برگرفته از عناصر هویت قومی مانند لهجه و زبان و مذهب که میراث مشترک قوم به حساب می‌آید که ترسیم‌کننده مرزهای نمادی و فرهنگی در میان اقوام در درون یک جامعه است (یوسفی و اصغر پور، ۱۳۸۸: ۱۲۷ و ۱۲۸). مفهوم ناسیونالیسم نیز که برخی جامعه‌شناسان آن را جنبش و ایدئولوژی مدرنی می‌دانند که از نیمه دوم قرن هجدهم در اروپای غربی و امریکا ظهور کرده است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۹ و ۲۰)، به معنای رسیدن و حفظ استقلال، وحدت و هویت یک جمعیت انسانی است که برخی از اعضای آن باور دارند که مساوی با یک ملت بالفعل یا بالقوه هستند (همان). اسمیت کارکردهای ناسیونالیسم را حفظ وحدت، هویت و رسیدن به استقلال در درون جامعه می‌داند.

چنان که می‌دانیم ایران کشوری چند قومیتی است که اقوام متعدد با فرهنگ‌ها و مذاهب و زبان‌های مختلف را در خود جای داده است. همین تنوع می‌تواند بر گرایش‌های

ناسیونالیستی تاثیر گذارد و روند ملت‌سازی را در ایران مباحث‌هایی مواجهه کند. یکی از این بحران‌ها و شکاف‌ها، گرایش‌های قوم‌گرایانه است، چرا که دولت‌ها برای این‌که بتوانند انسجام و یکپارچگی ایجاد کنند اعتقاد به ملت واحد و گرایش به ناسیونالیسم ملی را تبلیغ و بر آن تاکید می‌کنند اما این ادغام قومیت‌ها و اقلیت‌ها در یک ملت واحد می‌تواند پیامدهایی از جمله تنش‌های قومی، تعارضات داخلی، تضعیف هم‌گرایی ملی و آسیب-پذیری امنیت ملی را به دنبال داشته باشد نه وحدت و استقلال (رضوی آل هاشم و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶). چرا که ممکن است اقوامی که احساس نزدیکی با ناسیونالیسم ملی و رسمی ندارند بر ناسیونالیسم قومی اصرار ورزند و دست به مقاومت زنند و اگر شرایط برای آن‌ها فراهم شود حتی ممکن است در مقابل دولت ملی و ناسیونالیسم ملی صف آرای می‌کنند (جلائی پور، ۱۳۸۴: ۲۹ و ۳۰).

در این پژوهش شهر بجنورد به این دلیل انتخاب شد که وضعیتی مشابه جامعه بزرگتر یعنی ایران دارد و جامعه‌ای چند قومی است که اقوام مختلف تات، ترک، ترکمن، فارس، کرد و مقدار کمی عرب و بلوچ را در خود جای داده است. دارای فرهنگ‌ها و آداب و رسوم و زبان و مذهب‌های مختلفی هستند به طوری که استان خراسان شمالی و شهر بجنورد به گنجینه فرهنگ‌ها معروف شده است اقوام ساکن در این منطقه با وجود این‌که به دلیل هم‌زیستی با هم، دارای فرهنگ، آداب و رسوم و نقطه‌های مشترک زیادی هستند اما تفاوت‌های زیادی از جمله لهجه، زبان، مذهب، فرهنگ و لباس و ... نیز دارند که همین عوامل می‌تواند اعضای بعضی از این اقوام را به برترینی ارزش‌ها و هنجارهای قوم خود سوق دهد و زمینه‌ی بروز قوم‌گرایی را فراهم نماید که پیامدش می‌تواند تضعیف همزیستی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و از سوی دیگر تشدید روابط متعارض در میان اقوام باشد.

اما چرا این پژوهش اهمیت دارد؟ یکم؛ توجه به پدیده قوم‌گرایی در یک جامعه چند قومی همانند بجنورد و البته ایران که یکپارچگی آن تا حد زیادی منوط به مسالمت و همزیستی اقوام مختلف است، اهمیت زیادی دارد و شدت و ضعف قوم‌گرایی می‌تواند سهم به‌سزایی در تضعیف یا تقویت روابط بین اقوام و در نتیجه تضعیف یا تقویت یکپارچگی ملی در درون کشور داشته باشد. دوم؛ با شروع پدیده جهانی شدن و تضعیف قدرت دولت ملی به واسطه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی که به افزایش آگاهی‌های گروه قومی در زمینه‌ی حفظ ارزش‌های فرهنگی خود ... در کنار رد سیاست‌های ملی‌گرایانه دولت‌های خود، ... ممکن است منجر به احیای تنش‌های قومی در کشور و تهدیدی اساسی

برای حاکمیت مرکزی شود (قزلسفلی و حبیبی رضی آباد، ۱۳۹۵: ۹۸۰). سوم؛ شناخت اقوام و مناسبات قومی و گرایش های ناسیونالیستی آنها در شهر بجنورد است. به این منظور از مدل سه گانه ناسیونالیستی میرزایی (۱۳۹۰، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸؛ قادری و میرزایی، ۱۳۹۱) برای سنجش گرایشهای ناسیونالیستی و تاثیر متغیرهای مستقل مانند قومیت، مذهب، فاصله نسلی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و سایر متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت دریابیم؛ بین گرایش های ناسیونالیستی گروه های قومی مورد مطالعه و گرایش قوم‌گرایانه آنها رابطه ای وجود دارد یا خیر؟

۲. پیشینه پژوهش

به باور اوزکیرملی (Ozkirimli) «ناسیونالیسم امروزه یکی از موضوعات علوم اجتماعی است که بیش از همه کاویده و پژوهیده شده است. تقریباً هر هفته کتاب‌های جدیدی در قفسه کتابخانه‌ها ظاهر می‌شود که به ادبیات در حال شکوفایی ناسیونالیسم اختصاص دارند. به طوری که اسمیت بیان می‌کند «به روز بودن و در جریان آخرین انتشارات آن قرار داشتن کاملاً غیرممکن شده است» (۱۳۸۳: ۱۷ نقل شده در اوزکیرملی، ۱۳۸۳). از این رو حاصل تاملات و تحقیقات انجام شده در این حوزه مطالعاتی، سبب پدید آمدن ادبیاتی تقریباً گسترده در ارتباط با موضوع ناسیونالیسم، قومیت و قوم‌گرایی شده است برای نمونه می‌توانیم به برخی از موارد اشاره نماییم.

اسمیت (۱۹۹۳)، در تحقیقی تحت عنوان «منابع قومی ناسیونالیسم»، مدعی است که قومیت در عصر حاضر هم مشکل بزرگی بر سر راه ملت‌ها است. وی معتقد است که ناسیونالیسم قومی شکل تازه‌ای از قومیت و ملیت می‌باشد که در سطح جهانی نقش‌آفرینی می‌کند و همین‌طور می‌نویسد: تصور جهانی فارغ از ناسیونالیسم قومی غیر ممکن است چرا که انسان‌ها در جوامعی زندگی می‌کنند که ذاتاً گوناگون هستند و همین گوناگونی است که به تنوع در مقام هویت منجر می‌شود به گونه‌ای که تنوع هویت‌ها امری معمولی و بدایی می‌نماید.

بنی هاشمی (۱۳۸۲)، در تحقیقی تحت عنوان «شان قومیت و ناسیونالیسم قومی در مطالعات امنیت ملی این نتیجه می‌رسد که ناسیونالیسم قومی می‌تواند یکی از عوامل تهدید سیاسی و اجتماعی دولت‌های ضعیف باشد.

یوسفی و اصغرپور ماسوله (۱۳۸۸)، در پژوهشی تحت عنوان «قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین‌قومی در ایران» به این نتیجه می‌رسند که: یکم؛ قوم‌مداری در نزد همه اقوام ایرانی بالاست، دوم؛ کم‌ترین میزان قوم‌مداری از آن عرب‌هاست و بیش‌ترین قوم‌مداری از آن بلوچ‌ها می‌باشد. سوم؛ قوم‌مداری هم موجب تضعیف روابط همزیستانه‌ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و از سوی دیگر موجب تشدید روابط تعارضی در بین اقوام می‌گردد و در نهایت هم این‌که قوم‌مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هویت جمعی (قومی) در شبکه روابط بین‌قومی می‌گردد.

میرزایی (۱۳۹۰)، تحقیقی تحت عنوان «گرایش به ناسیونالیسم ایرانی در بین دانشجویان با تأکید بر خاستگاه قومی آن‌ها» انجام داده است که نتایج پژوهش حاکی از این است: یکم؛ گرایش دانشجویان ایرانی به ناسیونالیسم‌های (باستانی، دولتی، مذهبی و مدنی) و قوم‌گرایی بر پایه (متغیرهای زمینه‌ای و مذهب و قومیت و... متنوع است و گرایش ناسیونالیستی یگانه‌ای در بین آنها وجود ندارد. دوم؛ از یک طرف گرایش دانشجویان ایرانی به بعد مدنی ناسیونالیسم نسبت به سایر گرایش‌ها قوی‌تر است و از طرف دیگر میان هیچ کدام از متغیرهای زمینه‌ای حتی قومیت به عنوان یکی از متغیرهای اصلی این پژوهش و دو متغیر مستقل قوم‌گرایی و احساس محرومیت هم با این گرایش رابطه‌ای ندارند به عبارت دیگر گرایش قوی به ناسیونالیسم مدنی دانشجویان و رای متغیرهای مستقل و زمینه‌ای (قومیت، مذهب و مانند آن) قرار دارد و عام‌ترین نوع گرایش در میان دانشجویان اقوام ایرانی است. سوم؛ هم‌چنین بین گرایش‌های ناسیونالیسم (باستانی، دولتی و مذهبی) و قوم‌گرایی و متغیرهای زمینه‌ای (قومیت، مذهب و مانند آن) اختلاف وجود دارد. چهارم؛ بین گرایش ناسیونالیستی مذهبی و دولتی هم‌پوشانی بالایی وجود دارد. به این معنی که در زمان پژوهش برای دانشجویان گرایش دولتی همان گرایش مذهبی است و تفاوتی میان آنها وجود ندارد. پنجم؛ گرایش‌های ناسیونالیستی رایج در میان دانشجویان ایرانی به ترتیب مدنی، باستانی و مذهبی هستند.

جلال‌پور و نظرعباسی (۱۳۹۰)، در تحقیقی تحت عنوان «ناسیونالیسم قومی و عوامل موثر بر آن (جامعه‌مورد مطالعه: دانشجویان ترکمن استان گلستان)»، به بررسی میزان گرایش به ناسیونالیسم قومی در میان دانشجویان ترکمن و بررسی عواملی که از نگاه آن‌ها به تداوم گرایش ناسیونالیستی منجر شده‌اند می‌پردازد. در این کار پژوهشی محقق موضوع تحقیق را با ارائه سه گونه ناسیونالیسم (مدنی - ملی، فرهنگی - ملی و قومی) مورد واکاوی

قرار داده است. فرضیه تحقیق که مبتنی بر ضعیف بودن ناسیونالیسم قومی در استان گلستان بود رد شده است. محقق در این کار پژوهشی برای سنجش تداوم ناسیونالیسم قومی از چهار متغیر «به رسمیت بخشیدن به هویت قومی، توزیع نابرابرانه فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به همراه متغیرهای زمینه‌ای»، در پیمایش بهره برده است. نتایج تحقیق حاکی از این است: رابطه معنی‌داری بین متغیرهای مستقل (جنسیت، وضعیت تاهل، رسمیت بخشیدن به هویت قومی و توزیع نابرابرانه‌ی فرصت اقتصادی و توزیع نابرابرانه‌ی فرصت‌های سیاسی) و متغیر وابسته یعنی ناسیونالیسم قومی وجود دارد.

سراج زاده و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است: یکم؛ محتوای هویت کردی برای اهل تشیع عموماً در قالب نموده‌های فرهنگی است ولی برای کردهای اهل تسنن درک از کرد بودن وجهی سیاسی دارد. دوم؛ هویت کردی برای کردهای اهل تسنن فراتر از یک هویت قومی است ولی برای کردهای شیعه کردی یکی از اقوام ایرانی است و هویت قومی آن‌ها ذیل هویت ایرانی آن‌هاست. سوم؛ کردهای شیعه در مورد جریان‌ات سیاسی، تحولات تاریخی و شخصیت‌های نمادین و رهبران جنبش‌های کردی اطلاعات و آگاهی چندانی ندارند ولی کردهای سنی وجود این عوامل را برای جوامع کردی ضروری می‌دانند و... در نهایت می‌توان گفت که در قومیت‌گرایی و پویش‌های قومی در بین کردهای ایران، مذهب نقش قابل توجهی دارد. وحدت مذهبی عامل تعدیل‌کننده پویش‌های قومی و گرایش آن‌ها به مرکز است درحالی‌که اختلاف مذهب پویش‌های قومی را به سمت گریز از مرکز و تقویت ناسیونالیسم قومی متمایل می‌کند.

قادرزاده و شفیعی نیا (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «زمینه‌های و گونه‌های ناسیونالیسم قومی در ایران: مطالعه موردی مناطق کرد نشین» به این نتایج رسیدند که: به لحاظ جغرافیایی بالاترین میزان ناسیونالیسم را آذربایجان غربی و کم‌ترین میزان را ایلامی‌ها داشته‌اند. بین میزان ارتباط درون قومی فاصله تا مرز، میزان استفاده از رسانه‌ها (داخلی/ قومی)، میزان احساس محرومیت، احساس تبعیض و ناسیونالیسم قومی رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است.

کارهای انجام شده در این زمینه با این‌که نقطه قوت‌های بسیاری دارند ولی برخی از کارها دارای ضعف‌هایی هم هستند. در این جا باید متذکر شد که گستره مطالعه پیشینه این موضوع بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که در این جا مطرح شده است لذا نگارنده برای

رعایت اختصار و هم‌چنین به دلیل هم‌پوشانی که برخی از دیدگاه‌ها با هم داشتند از طرح آن‌ها چشم‌پوشی شده است. برخی از نقدهایی که بر این محققان وارد است در ادامه مطرح می‌شود: اکثر کارهای انجام شده در این رابطه یکم؛ با رویکردهای نظری صورت گرفته است به عبارت دیگر بیش‌تر پژوهش‌های یادشده با روش کتابخانه‌ای و از زوایای گوناگون (جامعه‌شناسی، سیاسی و تاریخی) به انجام رسیده‌اند و کم‌تر به رویکردهای تجربی توجه شده است یعنی کم‌تر به نظر و نگرش پاسخ‌گویان توجه شده و کار پیمایشی معدودی در این رابطه صورت گرفته است، از جمله کارهای معدودی که به صورت تجربی انجام شده است می‌توان به پژوهش میرزایی (۱۳۹۰) اشاره کرد که به بررسی ناسیونالیسم-های ایرانی در میان دانشجویان کشور با توجه به خاستگاه قومی آن‌ها به صورت نظری و تجربی پرداخته است. دوم؛ کارهایی هم که به صورت تجربی انجام شده است، فقط به بررسی ناسیونالیسم قومی و در میان یک قوم پرداخته است نه ناسیونالیسم ایرانی و در میان چندین قوم مختلف. مانند کاری که جلالی پور (۱۳۸۸)، در میان اقوام ترکمن ساکن در استان گلستان انجام داده است و به بررسی ناسیونالیسم قومی در میان این اقوام پرداخته است و همین‌طور کاری که قادرزاده و شفیع‌نی‌ا (۱۳۹۵) انجام داده‌اند و به بررسی ناسیونالیسم قومی در میان کردهای غرب کشور پرداخته‌اند. اما همان‌طور که در بالا نیز ذکر شد در این پژوهش برآیند گرایش‌های ناسیونالیستی (باستانی، مدنی و مذهبی) گروه‌های قومی (تات، ترک، ترکمن، فارس و کرد) ساکن شهر بجنورد را در ارتباط با قومیت و قوم-گرایی و متغیرهای زمینه‌ای (پایگاه اجتماعی-اقتصادی، فاصله نسلی، جنس، مذهب و ...) را به صورت تجربی و با استفاده از روش پیمایش مورد بررسی قرار دهیم.

با توجه به این‌که این پژوهش در راستای پژوهش میرزایی (۱۳۹۰) است از این رو ذکر چند نکته در این جا ضروری است که عبارتند از: نخست این که میرزایی به بررسی گرایش‌های ناسیونالیستی در میان گروه‌های قومی پرداخته است که در نقاط مختلف کشور زندگی می‌کنند و به عبارتی می‌توان توان گفت به صورت پراکنده و دور از هم هستند. دوم؛ پژوهش در میان دو گروه دانشجویان و هم‌طور اندیشوران جامعه صورت گرفته است. سوم؛ پدیده نسل و فاصله نسلی مورد بررسی قرار نگرفته است و فقط دیدگاه جوانان و اندیشوران مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو در این پژوهش بدنبال آن هستیم که گونه‌شناسی و مدل میرزایی (۱۳۹۰) را در میان گروه‌های قومی شهر بجنورد که در یک منطقه ساکن هستند و پراکندگی ندارند آزمون نماییم.

۳. مبانی نظری پژوهش

آنچه در مطالعه‌ی ناسیونالیسم در میان اندیشمندان مختلف همواره به طور جدی مورد مناقشه بوده است، مسئله نو بودن و یا تغییرناپذیر بودن ماهیت ناسیونالیسم است. همین امر محوری برای تمایز چند پارادایم اصلی در مطالعه ناسیونالیسم را بوجود آورده است. اموت اوزکریملی تمامی دیدگاه‌ها در مورد شکل‌گیری ملت‌ها را به سه دسته، "ازلی انگاران"، "مدرنیست‌ها" و "نمادپردازان قومی"، دسته‌بندی کرده است. پرسش اساسی هر سه پارادایم این است که ملت و ناسیونالیسم تا چه اندازه پدیده‌هایی مدرن هستند؟ وجه مشترک مدرنیست‌ها، اعتقاد به نو بودن ملت‌ها و ناسیونالیسم است، ویژگی عمومی نمادپردازان قومی، تاکید بر فرهنگ و گذشته قومی ناسیونالیسم است و ادعای اساسی ازلی انگاران مبتنی بر طبیعی و کهن بودن ملت‌ها و ناسیونالیسم است (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). لذا در ادامه ابتدا به معرفی و توضیح برخی از پارادایم‌ها و نظریه‌های مربوط به ناسیونالیسم پرداخته می‌شود و در نهایت هم سعی بر آن است که نظریه یا نظریه‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه را گزینش کرده تا چارچوب مناسبی را برای تبیین این پدیده در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه استخراج کرده و مورد استفاده قرار دهیم.

۱.۳ پارادایم ازلی‌انگاری

قدیمی‌ترین رهیافت در زمینه مقولات ملت و ملت‌گرایی رهیافت کهن‌گرایی یا ازلی-انگاری است که دو ادعای اساسی دارد: اول این که ملت‌ها و ناسیونالیسم پدیده‌هایی کهن هستند و دوم این که پدیده‌ای طبیعی و بنابراین جهان شمول‌اند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۳). فرانجو توجمن (Franjo Tudjman) در این رابطه معتقد است که

ملت‌ها به نحوی طبیعی رشد یافته‌اند و در عینیت و فرآیندهای تاریخی پیچیده و در نتیجه توسعه نیروهای مادی و معنوی، موجودیت ملی ملت‌ها بر پایه عواملی نظیر خون، زبان، مناسبات فرهنگی، منافع حیاتی مشترک و سرنوشت مشترک، سنت‌های تاریخی و اهداف مشترک پدیدار شده است (۱۹۸۱: ۲۸۸-۲۸۹ نقل شده در خلیل تهماسبی و اشرف نظری، ۱۳۹۴: ۱۶).

اسمیت گروه‌های مختلف ازلی‌انگاران را به سه دسته: "زیست‌شناختی اجتماعی"؛ "فرهنگ محور" و "طبیعت‌گراها" دسته‌بندی کرده است (۱۹۹۴: ۳۷۷-۳۷۶، ۱۹۹۵: ۳۳-۳۱) که بررسی هر کدام از آن‌ها مبین کهن بودن ملت‌ها و ناسیونالیسم می‌باشند.

فان دن برگ (Van den berg) در این زمینه معتقد است که در رفتار بشر برخی از گرایش‌ها و تمایلات جهان‌شمول مانند تمایل به خویشاوندی، تجاوز، سلطه و نیز تمایل به سرزمین وجود دارد که فقط از طریق آموختن قابل تبیین نیست و باید آن را به عنوان بخشی از طبیعت بشری درک کرد او هم‌چنین ملت را «یک گروه قومی دارای آگاهی سیاسی» می‌داند و دولت را «جمعی که تحت ریاست گروهی از مردم بر دیگران اعمال قدرت می‌کند» تعریف می‌کند. از نظر او ناسیونالیسم ایدئولوژی بیان شده از سوی یک گروه قومی است که به دلیل قومی بودن خود مدعی حق تشکیل دولت است (فان دن برگ، ۱۹۸۱: ۶۱ نقل شده در احمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

گیرتز (Garter) نیز معتقد است که افراد به عناصر خاصی از فرهنگ‌شان احساس تعلق می‌کنند و فکر می‌کنند که فطری، ازلی، از پیش‌داده شده است. آن‌ها تارهای معنایی از تعلقات قومی به دور خود می‌تند، گیرتز به مانعی توجه می‌کند که این «وابستگی‌های ازلی یا نخستینی عمدتاً ناشی از پیوندهای خویشاوندی، محلی و فرهنگی که فراگیرتر از قومیت هستند در برابر توسعه عواطف مدنی مدرن ایجاد کرده است (جنکیز، ۱۳۸۱: ۱۷۲ نقل شده در آموسی).

۲.۳ پارادایم مدرنیسم

مدرنیست‌هایی نظیر «ارنست گلنر» (Ernest Gellner)، «اریک هابزباوم» (Eric Hobsbawm) معتقدند که ریشه ملت‌های مدرن را می‌بایست به زمان متأخر یعنی از حدود قرن شانزدهم و یا در تعبیری دیگر در قرن هجدهم و تحت تأثیر انقلاب‌های فرانسه و انگلستان و آمریکا بازگرداند (خلیل تهماسبی و اشرف نظری، ۱۳۹۴: ۱۷). وجه مشترک مدرنیست‌ها، اعتقاد به نو بودن ملت‌ها و ناسیونالیسم است (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۰۹) و به زعم اسمیت ثمره فرآیندهای مدرنی مثل سرمایه‌داری، صنعتی شدن، ظهور دولت دیوان-سالار، شهرنشینی و جدا انگاری دین و دنیا هستند و ملت‌سازی‌های برنامه‌ریزی شده‌ای هستند (۱۳۸۳: ۶۹). هابزباوم (Eric John Ernest Hobsbawm) نیز معتقد است که "ناسیونالیسم مقدم بر ملت‌هاست. ملت‌ها، دولت‌ها و ناسیونالیسم را نمی‌سازند بلکه بر

عکس است" (۱۹۹۰: ۱۰ نقل شده در اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). اوزکریملی مطرح می‌کند چون شباهت کمتری بین مدرنیست‌ها برحسب عوامل مختلفی که در تقریرهایشان از ناسیونالیسم وجود دارد، آن‌ها را برحسب عوامل کلیدی‌شان به اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم می‌کند.

مایکل هچتر در قالب نظریه "استعمار داخلی" معتقد است که موج نامتوازن نوسازی در یک جامعه موجب می‌شود تا منابع قدرت بین گروه‌ها و اجتماعات مختلف به شکلی نامساوی توزیع شود و اقلیتی برخوردار (مرکز) و اکثریتی کم برخوردار (حاشیه‌ای) صورت‌بندی کلی جامعه را شکل دهند. در چنین شرایطی اگر تفاوت‌های فرهنگی با نابرابری‌های اقتصادی همراه و ترکیب شود «تقسیم کار فرهنگی» پدیدار می‌شود و در سایه‌ی آن جذب و ادغام سیاسی اجتماعات حاشیه‌ای در جامعه ملی به حداقل می‌رسد. به نظر هچتر هنگامی که ساکنان قلمرو فرهنگی متمایز در برابر ادغام در یک دولت متمرکز مقاومت کرده و در جهت حفظ نشان‌گرهای هویتی خود تلاش کنند "ملی‌گرایی حاشیه‌ای" پدیدار می‌شود و انسجام جمعی عام به مخاطره می‌افتد (هچتر، ۲۰۰۰: ۶۰ نقل شده در قادرزاده و قادرزاده، ۱۳۹۰). هچتر عوامل و فرآیندهای اثرگذار در تقویت همبستگی قومی و هویت‌های قومی را در قالب سه گزاره مطرح نموده است: اول، هرچه ارتباط بین اجتماعات کم برخوردار بیش‌تر خواهد بود و به تبع آن، میزان مقاومت در برابر جذب و ادغام سیاسی بیش‌تر خواهد شد. دوم، هرچه میزان ارتباطات درون‌گروهی بیش‌تر باشد، همبستگی درون‌گروهی در داخل اجتماعات حاشیه‌ای تقویت خواهد گردید. سوم، هرچه تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی، به‌ویژه تا آن‌جا که به تعیین هویت مربوط می‌شود، بیش‌تر باشد احتمال این‌که اجتماعات حاشیه‌ای متمایز به لحاظ فرهنگی، همبستگی بیشتری با هم داشته باشند افزایش خواهد یافت (همان، ۴۳).

هابزباوم نیز معتقد است: ملت و ناسیونالیسم و بسیاری از خاطرات و بازنگری‌های تاریخی را فرآورده "مهندسی اجتماعی" و مفاهیمی ساختگی می‌داند که طبقات حاکم در دولت‌های ملی ابداع کرده‌اند (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). وی در کتاب بعدی خود، "ملت‌ها، ناسیونالیسم از ۱۷۸۰: برنامه، افسانه، واقعیت" به درستی می‌نویسد: ناسیونالیسم پیش از پیدایش ملت‌ها ظهور می‌کند. ملت‌ها «دولت‌های ملی و ناسیونالیسم» را پدید نمی‌آورند بلکه دولت‌های ملی با آرمان‌های ناسیونالیستی است که موجب پیدایش ملت‌ها در عصر جدید شده است. به نظر وی "مسئله‌ی ملی" چنان‌که مارکسیست‌های قدیم آن را عنوان

می‌کنند، در محل تلاقی سیاست، تکنولوژی و تحول اجتماعی قرار دارد. بنابراین نمی‌توان به طور دلخواه به ایجاد ملت پرداخت بلکه باید آن را در زمینه خاصی از رشد تکنولوژی و نظام اقتصادی در نظر آورد. حتی زبان ملی یعنی زبان قابل فهم سراسری که برای پیدایش ملت ضرورت دارد در قالب کشورها به وسیله رسانه‌های گروهی، روزنامه، کتاب و رادیو و تلویزیون و گسترش آموزش پدید آمده است. بنابراین پیدایش ملت در واقع نه تنها محصول نوسازی جامعه از بالاست بلکه فرآیند دوسویه‌ای است که باید مورد پذیرش مردم هم باشد. اما آگاهی از افکار عمومی کار دشواری است. چرا که ایدئولوژی رسمی دولت‌ها و جنبش‌های سیاسی الزاما تشابه آن‌چه در فکر مردم می‌گذرد نیست و دوم این‌که هویت ملی نه تنها هویت‌های جمعی دیگر را نفی نمی‌کند بلکه الزاما والاتر از آن‌ها نیز در نظر نمی‌آید و از طرف دیگر معتقد است که آگاهی ملی یکسان در بین گروه‌ها، قشرها و مناطق مختلف یک کشور رشد نمی‌کند و در جامعه هم مرحله به مرحله تحول پیدا می‌کند: از آگاهی فرهنگی به «آگاهی سیاسی ملی» و سرانجام به برنامه‌ای مشخص برای تشکیل ملت واحد (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۵).

پال آر براس معتقد است: نخبگان قومی نه تنها با استفاده از میراث فرهنگی، گروه هویت قومی متمایزی می‌سازند، بلکه در رقابت برای کسب قدرت سیاسی، بین گروه‌های قومی شکاف نیز ایجاد می‌کنند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۶). براس هم‌چنین تاکید می‌کند نخبگان قومی برای دستیابی به برخی منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی با بهره‌گیری از احساسات قومی دست به تحریک اعضای گروه قومی زده و این اقدام از طریق کانال‌هایی نظیر رسانه-ها انجام می‌شود. در صورتی که این کانال‌های ارتباطی در اختیار برگزیدگان اقوام نباشد، فرآیند بسیج قومی و تشدید قوم‌گرایی از جانب آنان ناکام خواهد ماند (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

اندرسون معتقد است قومیت و ناسیونالیسم به عنوان ایدئولوژی‌های عصر مدرن همراه با مرگ مذاهب جهانی و سنت‌های پادشاهی ظهور پیدا کرده است و ناسیونالیسم محصول "سرمایه‌داری چاپ" است و ملت‌ها جوامع تخیلی‌اند که در شرایط مدرن ویژه‌ی سرمایه-داری غیرمذهبی در خدمت نیازهای روانی و اقتصادی هستند و افرادی که همدیگر را نمی-شناسند قادرند از طریق جهان چاپ و مطبوعات، در یک زمان و مکان همگن و قابل درک که به یک جامعه و نسل تخیلی متعلق است به سر برند.

ارنست گلنر نیز معتقد است که ملت‌ها و ناسیونالیسم پدیده‌هایی کاملاً مدرن هستند و جوامع دارای ادبیات کشاورزی ماقبل مدرن جایی برای ناسیونالیسم نداشتند زیرا نخبگان و توده‌های تولیدکننده غذا همواره در امتداد خطوط فرهنگی جدا از هم به سر می‌بردند و این نوع جامعه قادر به خلق یک ایدئولوژی برای از بین بردن این تقسیم‌بندی‌ها نبود.

۳.۳ پارادایم نمادپردازی قومی

این اصطلاح (نمادپردازی قومی) اشاره به محققانی دارد که هدفشان آشکار کردن میراث نمادین هویت‌های قومی ما قبل مدرن برای ملت‌های امروزی است (اسمیت، ۱۹۹۸: ۲۲۴ نقل شده در اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۲۰۲). این نظریه پردازان تا حدودی هم به ابزارگرایان و هم به ازلی‌انگازان انتقاد دارند و راه خود را "راه میانه" بین این دو رویکرد معرفی می‌کنند و بر تداوم و پیوندهای قومی ماقبل مدرن تاکید دارند و نشان می‌دهند که چگونه فرهنگ‌های قومی بر سر راه تلاش‌های روشنفکران در ایجاد ملت محدودیت‌هایی وضع می‌کنند. این پارادایم بر عناصر ذهنی (خاطره، ارزش، احساسات، اسطوره و نماد) در تداوم و استمرار اقوام شکل‌گیری و تاثیر ناسیونالیسم تاکید می‌کند و از این طریق تلاش می‌کند تا وارد دنیاهای درونی قومیت و ناسیونالیسم شود و آن‌ها را بفهمد. این پارادایم درحالی‌که از عوامل اقتصادی، ژئوپولیتیک و سیاست خارجی غفلت نمی‌کند بر عناصر ذهنی نمادین و اجتماعی - فرهنگی تاکید کرده از رهیافت‌ها و دیدگاه‌های متنوع‌تری حمایت می‌کند. برای نمادپردازان قومی، ملت بیرون از جهان قومیت غیر قابل تصور است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۸۷-۸۸). ویژگی مشترک نمادپردازان قومی عبارتند از: اول؛ دور شدن از انواع تحلیل‌های نخبه-گرایانه و تاکید بر رابطه بین نخبگان و قشرهای پایین‌تر (مردم). دوم؛ علاقه به تحلیل‌های دراز مدت یعنی تحلیل الگوهای اجتماعی و فرهنگی در یک دوره زمانی طولانی. سوم؛ تحلیل ظهور ملت‌ها و ناسیونالیسم در درون چارچوب هویت‌های فرهنگی جمعی پیشین و بویژه اجتماعات قومی و یا اقوام دیگر ملت‌ها "اشکال تخصصی شده قوم" هستند. چهارم؛ تاکید بر شور و اشتیاق و پیشنهاد تبیین تاریخی و اجتماعی برای جمعی برای فهم قومیت و ناسیونالیسم. پنجم؛ تحلیل دلایل استمرار و دگرگونی‌های هویت‌های فرهنگی جمعی با توجه به ابعاد همگانی، اخلاقی و احساسی هویت‌های قومی و ملی. از جمله نظریه‌پردازانی که در پارادایم نمادپردازی قومی قرار می‌گیرند می‌توان به جان آرمسترانگ و اسمیت اشاره کرد.

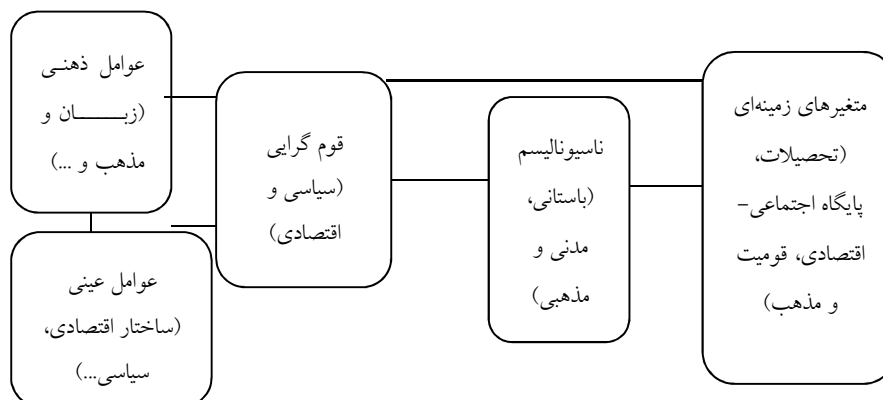
جان آرمسترانگ با این که هم‌چون هابزباوم هویت قومی را یک ابداع می‌داند؛ ولی قدمت آن را به پیش از ناسیونالیسم نسبت می‌دهد چون معتقد است که آگاهی قومی، تاریخی طولانی دارد. هر گروه قومی دارای اساطیر و نمادهایی هستند و دین، این تمایزات را تقویت می‌کند و این اسطوره‌ها وسیله‌ای برای ادغام وفاداری‌های سیاسی در چارچوب وسیع‌تر می‌شوند.

آنتونی اسمیت هم ضمن نقد مدرنیسم، معتقد است که بدون عناصر قومی قدیمی، ملت‌سازی امکان‌پذیر نبود. البته جامعه‌ی قومی موجودیتی ازلی نیست ولی این جامعه در نتیجه فرایندی از اعتلاف واحدهای جداگانه در هم‌دیگر و در مقاطعی هم از طریق تجزیه ایجاد می‌شوند ولی بعد از شکل‌گیری، استمرار فوق‌العاده از خود نشان می‌دهند و این البته همراه با تغییرات درونی مداوم است؛ ولی این تغییرات با عناصری که به بازسازی هویت قومی می‌پردازد همراه است. مهم‌ترین سازوکارهای بازسازی عبارتند از: اصلاح دینی، وام‌گیری فرهنگی؛ به معنای تماس کنترل‌شده با جوامع دیگر، مشارکت مردمی و نهایتاً اسطوره‌های انتخاب قومی. این سازوکارها موجب تداوم و شکل‌گیری هسته‌های قومی می‌شوند. اسمیت ناسیونالیسم را جنبشی ایدئولوژیک می‌داند که برای کسب و حفظ استقلال هویت قومی مورد استفاده واقع می‌شود و دو نوع ناسیونالیسم را از هم تفکیک می‌کند: اول؛ ناسیونالیسم قومی که بر اساس الگوهای قومی و تباری خواهان الحاق به واحد خویشاوندتر هستند. دوم؛ ناسیونالیسم‌های سرزمینی که بر پایه الگوهای مدنی از ملت استوار هستند.

با توجه به مباحث بالا؛ می‌توان نتیجه گرفت؛ با این که نظریه‌های کهن گرا و نوگرا هر دو حاوی نکات سودمندی برای تحلیل ناسیونالیسم قومی در جهان معاصرند ولی با توجه به این که این دو مکتب دارای دیدگاه‌های ساختارگرا و تعمیم‌گرایانه هستند، نمی‌توانند چهارچوبی مناسب برای تحلیل و بررسی ناسیونالیسم ملی، ملت و قومیت در ایران باشند. در مقابل این دو مکتب ساختارگرا، می‌توان از رهیافت "نماد‌پردازی قومی" در رابطه با هویت ملی و ناسیونالیسم در ایران استفاده نمود. این رهیافت که در تحقیق حاضر از آن به عنوان چارچوب نظری برای بررسی ناسیونالیسم ملی و قومی در منطقه‌ی مورد مطالعه استفاده می‌شود، ضمن تفکیک قائل شدن میان ملت‌های پیش از ناسیونالیسم و ملت‌های پس از ناسیونالیسم، ایران و گروه‌های قومی در ایران را در زمره‌ی کشورهای دسته اول (پیش از ناسیونالیسم) قلمداد می‌کند. در واقع اگرچه ناسیونالیسم به عنوان یک واژه و یک

جنبش پیشینه‌ی چندانی در ایران ندارد و پیدایش گروه‌های برخوردار از نام ملی یا ناسیونالیستی خاص قرن بیستم است اما می‌توان با قطعیت گفت که وجود احساسات و عواطف و گرایش‌های ملی پیشامدرن، بنیان هویت ملی ایرانی را ساخته است. آن چیزی که مورد نظر آنتونی اسمیت است این است که هویت ملی ایرانی نیز یک برساخته‌ی اجتماعی و محصول مهندسی اجتماعی و سیاسی است، اما این مهندسی برخلاف دیدگاه برخی پژوهشگران مسائل ایران و یا گروه‌های ایدئولوژیک قوم‌گرایانه، نه محصول دوره‌ی کنونی بلکه پیامد فرآیندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران‌های تاریخی پیش از اسلام است. آنتونی اسمیت بر خلاف مکتب مدرنیسم که صرفاً بر نقش نخبه‌ها تأکید می‌کنند بر نقش توده‌ها نیز تأکید بسیار زیادی دارد که چنین دیدگاهی را می‌توان در رابطه با ایران صحیح و مناسب دانست و نکته‌ی مهم در رابطه با مسائل ملت و هویت ملی در ایران آن است که تلاش در جهت خلق و باز آفرینی هویت ملی، فقط حاصل فعالیت‌های نخبگان بومی نبوده است بلکه بسیاری از نخبگان غیر بومی و به ویژه توده نیز در فرآیند مبارزه‌ی خود علیه دولت مرکزی، اندیشه‌های هویتی خود را طرح و تبلیغ کرده‌اند. اسمیت در این رابطه می‌نویسد: ریشه و منشا قوم‌مداری و مرکزگرایی و شکل‌گیری نهضت‌های جدایی طلبی قومی ناشی از تمایل و نیاز جامعه قومی به کسب هویت قومی خود و رسمیت بخشیدن به آن است. وجدان قومی که هویت خود را در هم‌خوانی، هم‌نژادی، هم‌زبانی، هم‌دینی، زیستن و بار آمدن در بستر فرهنگ قومی و گذشته اجتماعی، اسطوره‌ها و خاطرات تاریخی مشترک می‌جوید، مجموعاً برآیندی را ایجاد می‌کند که حاصل آن تشکیل هویت قومی و تقویت همبستگی یگانگی و انسجام قومی است. این برآیند از لحاظ سیاسی به نیرویی تبدیل می‌گردد که معطوف به قدرت بوده و خواهان تشکیل دولت مستقلی است که قومیت آنان را تحقق می‌بخشد (استقلال طلب) و از نظر فرهنگی به دنبال رسمیت بخشیدن به ارزش‌های فرهنگی و قومی خود می‌باشد. راتچایلد و شاپلین نیز معتقدند که پدیده نهضت‌های تمایز طلبی و روحیه مرکزگرایی جامعه قومی در قالب دو دسته از عوامل ذهنی و عینی قابل تبیین است. به اعتقاد آن‌ها عوامل ذهنی که ریشه در هویت‌خواهی جامعه قومی دارد. شامل عوامل فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و روانی هستند و درخواست‌های اساسی غیر قابل مذاکره‌ای را پدید می‌آورند و از طریق مشخصه‌های مشابه مثل تفاوت‌های زبانی، ذهنی، فرهنگی، تجربه خاص تاریخی و آگاهی از وجود تفاوت‌ها با دیگر جوامع قومی قابل بررسی هستند. عوامل عینی که اساساً ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی دارند شامل اختلافات

میان قومی، تبعیض در قوانین سیاست‌ها، برنامه‌ها، ترتیبات سازمانی تبعیض‌گرایانه مثل حق مالکیت، حقوق مدنی، قشربندی در بازار کار و میزان مشارکت سیاسی هستند و به طور وسیع درخواست‌های قابل مذاکره‌ای را پدید می‌آورند. بر اساس دیدگاه این نظریه عوامل ذهنی و عینی بر نهادی شدن اعتراضات قومی اثر گذاشته و ضمن تشدید خواست‌های قابل مذاکره و غیرقابل مذاکره ناخوشنودی و نارضایتی قومی را بیش‌تر می‌کند و شرایطی را که منجر به شکل‌گیری سازمان سیاسی قومی منبعی برای تسریع در بازسازی هویت قومی، وحدت و همبستگی قومی، خواست مشارکت عمومی و اصالت فرهنگی قومی از جمله بازگشت به ریشه‌های نمادین، اسطوره‌های گذشته و یادبودهای تاریخی فراهم می‌آورد و از طریق ایجاد و شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی به نهضت مرکز‌گریزی قومی متمایل می‌شود و در نهایت به صورت یکی از اشکال: "نهضت خودمختاری، نهضت جدایی طلبی، شورش منطقه‌ای و سیاست اعتدال انتخاباتی" بروز می‌کند. به طور کلی بر اساس این نظریه هر قدر احساس هویت جامعه ملی در زندگی جامعه ملی که بخشی از آن است کمتر باشد سازمان سیاسی قومی قوی‌تر، ناسیونالیسم قومی قوی‌تر و هر قدر ناسیونالیسم قومی قوی‌تر باشد روحیه مرکز‌گریزی بیشتر خواهد بود (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۵). در مجموع بر اساس مبانی نظری پیش‌گفته و مطالبی که در چارچوب ذکر شده است عوامل موثر بر گرایش به ابعاد ناسیونالیسم را در سه مقوله قرار داد. اولین مقوله، ویژگی‌های زمینه‌ای است که در برگیرنده متغیرهایی مثل جنس، سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، محل سکونت، سطح تحصیلات، قومیت و مذهب آن‌هاست. مقوله‌ی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی است که در برگیرنده دو متغیر قوم‌گرایی در سه بعد و میزان شناخت و ارتباط هر قوم با قوم دیگر است و آخرین مقوله، ویژگی‌های ساختاری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و... می‌باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی راهنمای تحقیق

۴. فرضیه‌های پژوهش

بین گرایش‌های سه‌گانه قوم‌گرایی و گرایش‌های ناسیونالیستی اقوام ساکن در شهر بجنورد رابطه وجود دارد.

بین متغیرهای زمینه‌ای از جمله (قومیت و مذهب و تحصیلات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی) و گرایش‌های ناسیونالیستی رابطه وجود دارد.

بین متغیرهای زمینه‌ای از جمله (قومیت، مذهب، تحصیلات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی) و قوم‌گرایی رابطه وجود دارد.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پیمایش است. این پژوهش بر مبنای تقسیم‌بندی انواع پژوهش و با توجه به اهدافش در زمره مطالعات توصیفی-تبیینی است. بر مبنای فرآیند پژوهش کمی است. بر مبنای منطق پژوهش قیاسی و از حیث نتایج می‌تواند بنیادی باشد. با انجام این پژوهش تلاش بر آن است که توصیفی از وضعیت گرایش‌های ناسیونالیستی و قومیت و قوم‌گرایی در میان گروه‌های قومی ساکن در شهر بجنورد را ترسیم کرده و در نهایت هم رابطه بین متغیرهای مستقل و زمینه‌ای پژوهش و این گرایش‌های ناسیونالیستی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به این‌که شهر بجنورد شهری چند قومیتی است درک رابطه متغیرهای یاد

شده با گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیستی در میان گروه‌های قومی مورد پژوهش به تبیین دقیق‌تر این پدیده اجتماعی در میان آنان می‌کند. در ادامه و در جدول ۱ متغیرهای پژوهش و تعریف عملیاتی آن‌ها ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: متغیرهای پژوهش و تعریف عملیاتی آن‌ها

تعریف عملیاتی	متغیر
احساس تعلق و تعهد نسبت به عناصر فرهنگی و تمدنی ایران باستان.	ناسیونالیسم باستانی
احساس تعلق و تعهد نسبت به آزادی، برابری و حقوق شهروندی جدای از تعلقات قومی و مذهبی	ناسیونالیسم مدنی
احساس تعلق و تعهد نسبت به عناصر فرهنگی و تمدن اسلامی. طرح و پیگیری مطالبات و خواسته‌های رادیکال قومی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.	ناسیونالیسم مذهبی قوم‌گرایی
این متغیرها به صورت مستقیم مورد پرسش قرار گرفته و سنجیده شده است و فقط پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر حسب متغیرهای شغل، درآمد و فاصله نسلی نیز بر حسب متغیر سن محاسبه شده شده است.	متغیرهای مستقل؛ قومیت، مذهب، تحصیلات، فاصله نسلی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی

پرسش‌نامه پژوهش بر اساس مباحث نظری و پژوهش‌های پیشین (به طور مثال بنگرید به میرزایی ۱۳۹۰، حاجیانی ۱۳۸۸، محمدزاده ۱۳۹۰، سراج زاده و دیگران ۱۳۹۴) بعد از اصلاح و تعدیل و در مواردی نیز بعد از بومی‌سازی شدن گویه‌های مورد نظر طبق فرهنگ و اداب و موقعیت جامعه مورد مطالعه در ذیل هر مقیاس قرار گرفتند. از آنجایی‌که از گویه‌های استاندارد پیشین که از قبل اعتباریابی شده بودند بهره برده شد لذا دارای اعتبار استاندارد است و همین‌طور از اعتبار صوری و سازه نیز برخوردار است. برای تعیین پایایی سنجه‌های مرتبط با موضوع پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که برای گرایش باستانی ۱۰ گویه طراحی شد و ضریب پایایی آن برابر با ۰.۷۹، برای گرایش مذهبی ۸ گویه با ضریب پایایی ۰.۹۱، برای گرایش مدنی ۱۱ سوال و ضریب پایایی آن ۰.۸۲ و متغیر قوم-گرایی ۸ گویه و ضریب پایایی آن ۰.۷۶ می‌باشد. با توجه به این‌که ضریب پایایی برای همه متغیرها بالای ۰.۷۰ بود لذا نیاز به حذف گویه جهت بالا بردن ضریب نبود.

در نهایت پرسش‌نامه تنظیم شده در اواخر شهریور و اوایل مهر ۹۶ توزیع و داده‌های مورد نظر گردآوری شد. پرسش‌نامه بعد از گردآوری کدگذاری و اطلاعات مندرج در آن‌ها به صورت داده‌های خام وارد اس پی اس (spss) شد و پس از ویرایش داده‌ها آزمون-

های آماری و تحلیل اطلاعات صورت گرفت. برای نمونه‌گیری با توجه به این‌که آمار مشخص و دقیقی از جمعیت شهر بجنورد به تفکیک قومیت در اختیار نبود لذا تلاش شد تا نمونه همگنی از گروه‌های قومی مورد پژوهش بر حسب قومیت‌شان به نسبت معین یعنی ۱۰۰ واحد مشاهده در سطح فرد از هر قوم تعیین شود که در مجموع حجم نمونه گردآوری شده برای این پژوهش برابر با ۵۰۰ نفر از گروه‌های قومی (تات، ترک، ترکمن، فارس و کرد) که ساکن شهر بجنورد بودند برگزیده شد. شیوه نمونه‌گیری نیز بدین صورت بود که با استفاده از نمونه‌گیری چند مرحله‌ای ابتدا خوشه‌ها/مناطق قومی تعیین و سپس در داخل هر خوشه نمونه‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند. نمونه بدست آمده شامل ۲۰۳ نفر زن و ۲۹۷ نفر مرد، ۱۰۰ نفر سنی و ۴۰۰ نفر شیعه، ۱۰۰ نفر تات، ۱۰۰ نفر ترک، ۱۰۰ نفر ترکمن، ۱۰۰ نفر فارس و ۱۰۰ نفر کرد بودند که ۴۵۶ نفر از آن‌ها ساکن شهر و ۴۴ نفر ساکن روستا بودند. میانگین سنی پاسخ‌گویان برابر با ۳۳.۷ و انحراف استاندارد آن برابر با ۱۴.۳ می‌باشد و میانه و نمای سنی در این پژوهش به ترتیب برابر با ۳۰ و ۲۰ می‌باشد. از نمونه آماری ۵۶ نفر برابر با ۱۱.۲ درصد متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا و ۱۵۹ نفر برابر با ۷۱.۸ درصد متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط و ۸۵ نفر برابر با ۱۷.۰ از پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین بوده‌اند.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، یافته‌های گرایش‌های ناسیونالیستی باستانی، مدنی و مذهبی به همراه گرایش قوم‌گرایی ارائه می‌شود. یافته‌های مربوط به رابطه و تاثیر متغیرهای مستقل و وابسته به گونه‌ای ارائه شده است که امکان مقایسه یافته‌ها فراهم شود.

۱.۶ ناسیونالیسم باستانی

ناسیونالیسم باستانی یکی از گرایش‌های ناسیونالیستی در ایران است که دستاوردهای فرهنگی ایران قبل از اسلام را مورد تمجید قرار می‌داد و در طلب یک ایرانیت ناب از نوع ساسانی آن بود و از سوی دیگر به ماندگاری قوم ایرانی و فرهنگ آن در دوران اسلامی به غنای این فرهنگ تکیه داشت (آشوری، ۱۳۷۶). بر پایه فرضیه‌های پژوهش برآنیم بدانیم رابطه‌ای میان گرایش باستانی ناسیونالیسم و متغیرهای زمینه‌ای پژوهش وجود دارد و در

صورت وجود رابطه شدت این رابطه چگونه است؟ میانگین گرایش باستانی برای قوم تات ۶.۳۴، برای قوم ترک ۶.۳۱، برای قوم ترکمن ۶.۰۹، فارس برابر با ۶.۳۰ و برای کردها برابر با ۶.۳۰ است که می‌توان گفت قوم تات با اختلاف بسیار جزئی باستان‌گرایی بالا و قوم ترکمن کم‌ترین میزان باستان‌گرایی را داشته است. نتیجه آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که اختلاف میانگین بین اقوام معنادار نیست ($df: 4, f: 1.374, sig: .525$). میانگین گرایش باستانی گروه‌های قومی مورد پژوهش به ترتیب برای پایگاه پایین برابر با ۶.۴۵۸، میانی برابر با ۶.۲۳۱ و بالا برابر با ۶.۲۵۰ است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد اگر بین پاسخ‌گویان برحسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی در گرایش به ناسیونالیسم باستانی اختلاف وجود دارد اما این اختلاف معنادار نیست ($df: 2, sig: .757, f: .278$). یافته دیگر نشان می‌دهد اگر چه اختلاف میانگین گرایش باستانی برحسب مذهب (شیعه و سنی) معنادار است اما این اختلاف از قوت چندانی برخوردار نیست ($t: 2.292, df: 498, sig: .015$). هم‌چنین میانگین ناسیونالیسم باستانی برای نسل چهارم (۱۸-۲۶) سال برابر با ۶.۱۳۹، برای نسل سوم (۲۷-۴۶) سال برابر با ۶.۲۶۵، برای نسل دوم (۴۷-۶۴) سال برابر با ۶.۵۰۱ و برای نسل اول (۶۵ سال به بالا) برابر با ۶.۷۶۴ می‌باشد که می‌توان گفت گروه نسل چهارم بیش‌ترین میزان ناسیونالیسم باستانی و گروه نسل اول کم‌ترین میزان ناسیونالیسم باستانی را داشته‌اند. نتیجه آزمون تحلیل واریانس نیز نشان می‌دهد که این اختلاف میانگین بین گروه‌های نسلی معنادار است ($df: 3, f: 4.848, sig: .002$) اما این اختلاف از شدت چندانی برخوردار نیست. هم‌چنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و گرایش به ناسیونالیسم باستانی رابطه معنادار وجود دارد ($df: 7, f: 2.733, sig: .009$). اما میزان شدت اثر پایین است. جدول زیر معناداری و اندازه اثر ناسیونالیسم باستانی با متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. رابطه ناسیونالیسم باستانی و متغیرهای مورد مطالعه

ناسیونالیسم باستانی	معناداری	اندازه اثر	شرح رابطه
قومیت	--	--	همه‌ی اقوام تقریباً واکنش مشابهی نسبت به ناسیونالیسم باستانی از خود نشان داده‌اند.
مذهب	√	اندک	شیعه مذهب‌ها باستان‌گرایی بیش‌تری نسبت به سنی مذهب‌ها داشته‌اند.
پایگاه	--	--	پایگاه اجتماعی-اقتصادی متغیر تأثیرگذاری بر ناسیونالیسم باستانی

اجتماعی - اقتصادی	✓	اندک	کم‌ترین میزان باستان‌گرایی را گروه نسلی چهارم یعنی افراد ۱۸-۲۶ سال داشته و بیش‌ترین میزان باستان‌گرایی را گروه نسلی اول (۶۶ سال به بالا) داشته‌اند.	نیست.
فاصله نسلی	✓	اندک	بیش‌ترین میزان باستان‌گرایی را بی‌سوادها و کم‌ترین میزان باستان‌گرایی را گروه تحصیلی دکتری و فوق‌دپلم‌ها داشته‌اند.	
تحصیلات	✓	اندک		

جدول شماره دو نشان می‌دهد؛ قومیت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی و تحصیلات پاسخ‌گویان متغیر تاثیرگذاری بر گرایش آن‌ها به ناسیونالیسم باستانی نبوده است. ناسیونالیسم باستانی در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه فقط متأثر از مذهب و فاصله نسل‌ها بوده است به طوری که شیعه مذهب‌ها گرایش بیش‌تری به باستان‌گرایی داشته و همین‌طور بی‌سوادها هم بیش‌ترین میزان باستان‌گرایی را داشته‌اند.

۲.۶ ناسیونالیسم مدنی

یکی دیگر از گرایش‌های ناسیونالیستی در ایران، ناسیونالیسم مدنی است که هدفش متحد ساختن کلیه اعضای یک جامعه، صرف نظر از وابستگی‌های ویژه آنان با تکیه بر وفادای‌ها، نمادها و نهادهای مشترک است (لاکوف، ۱۳۸۴: ۴۷۳-۴۷۵). بر پایه فرضیه‌های پژوهش برآینم بدانیم رابطه‌ای میان ناسیونالیسم مدنی و متغیرهای زمینه‌ای پژوهش وجود دارد و در صورت وجود رابطه، شدت این رابطه چگونه است؟ میانگین گرایش مدنی برای قوم تات ۶.۴۸۲، برای قوم ترک ۶.۴۵۵، برای قوم ترکمن ۶.۴۰۴، فارس برابر با ۶.۴۰۰ و برای کردها برابر با ۶.۴۶۴ است که می‌توان گفت قوم تات بیش‌ترین ناسیونالیسم مدنی و قوم فارس کم‌ترین میزان ناسیونالیسم مدنی را داشته است. نتیجه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که اختلاف میانگین بین اقوام معنادار نیست ($f: 222, df: 4, sig: .926$). میانگین گرایش مدنی پاسخ‌گویان مورد پژوهش به ترتیب برای پایگاه پایین برابر با ۶.۴۷۷، میانی برابر با ۶.۴۲۵ و بالا برابر با ۶.۴۹۱ است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد اگر چه بین پاسخ‌گویان بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی در گرایش به ناسیونالیسم مدنی اختلاف وجود دارد اما این اختلاف معنادار نیست ($f: 275, df: 2, sig: .757$). یافته دیگر نشان می‌دهد بین مذهب شیعه و سنی و گرایش به ناسیونالیسم مدنی رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($t: .625, df: 498, sig: .600$). هم‌چنین میانگین ناسیونالیسم مدنی برای نسل چهارم (۱۸-

(۲۶) سال برابر با ۶.۳۳۰، برای نسل سوم (۲۷-۴۶) سال برابر با ۶.۴۸۷، برای نسل دوم (۴۷-۶۴) سال برابر با ۶.۵۶۳ و برای نسل اول (۶۵ سال به بالا) برابر با ۶.۶۵۷ می‌باشد که می‌توان گفت گروه نسل اول بیش‌ترین میزان ناسیونالیسم مدنی و گروه نسل چهارم کم‌ترین میزان ناسیونالیسم مدنی را داشته‌اند. نتیجه آزمون تحلیل واریانس نیز نشان می‌دهد که این اختلاف میانگین بین گروه‌های نسلی معنادار نیست (sig: .060, df: 3, f: 2.490). هم‌چنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و گرایش به ناسیونالیسم مدنی رابطه معنادار وجود ندارد (sig: .359, df: 7, f: 1.179). جدول زیر معناداری و اندازه اثر ناسیونالیسم مدنی با متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. رابطه ناسیونالیسم مدنی با متغیرهای مورد پژوهش

ناسیونالیسم مدنی	معناداری	اندازه اثر	شرح رابطه
قومیت	-	-	همه اقوام واکنش مشابهی نسبت به ناسیونالیسم مدنی داشته‌اند.
مذهب	-	-	مذهب متغیر تاثیرگذاری بر ناسیونالیسم مدنی نیست.
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	-	-	واکنش همه پایگاه‌های اجتماعی به ناسیونالیسم مدنی مشابه بوده است.
فاصله نسلی	-	-	فاصله نسلی متغیر تاثیرگذاری بر ناسیونالیسم مدنی نیست.
تحصیلات	-	-	گروه‌های تحصیلی مختلف واکنش مشابهی نسبت به ناسیونالیسم مدنی از خود نشان داده‌اند.

مندرجات جدول شماره سه نشان دهنده این است که ناسیونالیسم مدنی در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه یک پدیده فراقومیتی، فرامذهبی، فراطبقاتی و فرانحسلی و فرا تحصیلی است. می‌توان گفت: ناسیونالیسم مذهبی اولین اولویت اکثر پاسخ‌گویان فارغ از هر نوع قوم و مذهب و پایگاه و نسل و حتی میزان تحصیلاتشان بوده است.

۳.۶ ناسیونالیسم مذهبی

یکی دیگر از گرایش‌های ناسیونالیستی در ایران، ناسیونالیسم مذهبی است که مبنای تشکیل ملت را باور و وابستگی به مذهب خاصی می‌داند. بر پایه فرضیه‌های پژوهش برآینم بدانیم رابطه‌ای میان ناسیونالیسم مذهبی و متغیرهای زمینه‌ای پژوهش وجود دارد؟ در صورت وجود رابطه شدت این رابطه چگونه است؟ میانگین گرایش مذهبی برای قوم تات ۵.۳۷۷، برای قوم ترک ۵.۵۸۸، برای قوم ترکمن ۵.۵۶۱، فارس برابر با ۵.۵۰۱ و برای کردها برابر

با ۵.۱۳۳ است که می‌توان گفت قوم ترک بیش‌ترین ناسیونالیسم مذهبی و قوم کرد کم‌ترین میزان ناسیونالیسم مذهبی را داشته است. نتیجه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که اختلاف میانگین بین اقوام معنادار نیست ($f: 1.814, df: 4, sig: .125$). میانگین گرایش مذهبی پاسخ‌گویان مورد پژوهش به ترتیب برای پایگاه پایین برابر با ۵.۹۵۷، میانی برابر با ۵.۲۵۶ و بالا برابر با ۵.۰۵۵ است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد بین پاسخ‌گویان بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی در گرایش به ناسیونالیسم مذهبی اختلاف معنادار وجود دارد ($f: 6.938, df: 2, sig: .001$). اما میزان این اثر در حد پایین می‌باشد. یافته دیگر نشان می‌دهد بین مذهب شیعه و سنی و گرایش به ناسیونالیسم مذهبی رابطه معنی داری وجود ندارد ($t: -1.366, df: 498, sig: .466$). هم‌چنین میانگین ناسیونالیسم مذهبی برای نسل چهارم (۱۸-۲۶) سال برابر با ۴.۹۹۴، برای نسل سوم (۲۷-۴۶) سال برابر با ۵.۴۷۰، برای نسل دوم (۴۷-۶۴) سال برابر با ۵.۷۵۶ و برای نسل اول (۶۵ سال به بالا) برابر با ۶.۴۰۴ می‌باشد که می‌توان گفت گروه نسل اول بیش‌ترین میزان ناسیونالیسم مذهبی و گروه نسل چهارم کم‌ترین میزان ناسیونالیسم مذهبی را داشته‌اند. نتیجه آزمون تحلیل واریانس نیز نشان می‌دهد که این اختلاف میانگین بین گروه‌های نسلی معنادار است ($df: 3, sig: .000$). هم‌چنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رابطه بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و گرایش به ناسیونالیسم مذهبی معنادار است ($f: 4.189, df: 7, sig: .000$). اما آزمون مجذور اتا (۰.۰۵) نشان می‌دهد که میزان این اثر اندک است. جدول زیر معناداری و اندازه اثر ناسیونالیسم مذهبی با متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. رابطه ناسیونالیسم مذهبی با متغیرهای مورد پژوهش

ناسیونالیسم مذهبی	معناداری	اندازه اثر	شرح رابطه
قومیت	-	-	قومیت متغیر تاثیرگذاری بر ناسیونالیسم مذهبی نیست.
مذهب	-	-	هر دو گروه شیعه و سنی مذهب واکنش مشابهی نسبت به گرایش مذهبی ناسیونالیسم از خود نشان داده‌اند.
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	√	اندک	پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین بیش‌ترین میزان گرایش مذهبی را داشته و پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا، کم‌ترین میزان گرایش مذهبی را داشته‌اند.
فاصله نسلی	√	اندک	بیش‌ترین میزان گرایش مذهبی را گروه نسلی اول (۶۶ سال به بالا) و کم‌ترین میزان گرایش مذهبی را گروه نسلی چهارم (۱۸-)

(۲۵) سال داشته‌اند.

تحصیلات	√	اندک	به ترتیب ابتدایی‌ها، دکتری‌ها و سیکل‌ها و دیپلم‌ها، لیسانس‌ها، فوق لیسانس و فوق دیپلم‌ها دارند.
---------	---	------	-------------------------------------------------------------------------------------------------

همان‌طور که در جدول شماره چهار قابل ملاحظه است دو متغیر قومیت و مذهب متغیر تاثیر گذاری بر ناسیونالیسم مذهبی در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه نبودند اما ناسیونالیسم مذهبی متأثر از سه متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و فاصله نسلی و سطح تحصیلات بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید یک رابطه خطی بین نسل و گرایش به ناسیونالیسم مذهبی وجود دارد یعنی هر چه جمعیت جوان‌تر می‌شود گرایش آن‌ها به ناسیونالیسم مذهبی کاهش پیدا می‌کند و همین‌طور هر چقدر فرد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری برخوردار باشد گرایشش به ناسیونالیسم مذهبی کاهش می‌یابد. تحصیلات هم متغیر تاثیر گذاری بر ناسیونالیسم مذهبی بوده است به طوری که بی‌سوادها بیش‌ترین گرایش مذهبی را داشته‌اند.

در نهایت با توجه به اطلاعات بدست آمده می‌توان گفت به جز ناسیونالیسم مدنی که ناسیونالیسم رایج و عام در بین گروه‌های قومی مورد مطالعه بوده است و فارغ از هر نوع قومیت و مذهب و سن و تحصیلات و طبقه‌ای، جز اولویت اول همه پاسخ‌گویان بوده است، بین دو گرایش مذهبی و باستانی ناسیونالیسم و متغیرهای تحصیلات، فاصله نسلی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی رابطه وجود دارد به این معنا که هر چقدر که به سمت جوان شدن جمعیت پیش می‌رویم گرایش به بعد باستانی و مذهبی ناسیونالیسم کاهش پیدا می‌کند و همین‌طور پاسخ‌گويانی که متعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایینی هستند گرایش بیش‌تری به بعد باستانی و مذهبی ناسیونالیسم داشته‌اند و در نهایت هم می‌توان گفت یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر گرایش پاسخ‌گویان به بعد باستانی و مذهبی ناسیونالیسم، سطح سواد و تحصیلات آن‌هاست بدین معنا که افرادی که بی‌سواد بودند گرایش بیش‌تری به این دو بعد از ناسیونالیسم از خود نشان دادند و به مرور و با بالا رفتن سطح سواد گرایش به این ابعاد ناسیونالیسم کاهش داشته است. نکته‌ی آخر این‌که: قومیت متغیر تاثیر گذاری بر گرایش به هیچ کدام از ابعاد سه‌گانه ناسیونالیسم (باستانی، مدنی و مذهبی) نبوده است.

۴.۶ قوم‌گرایی

متغیر مستقل در این پژوهش متغیر قوم‌گرایی است که نمره کلی آن از سه بعد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به دست آمده است. در این بخش از پژوهش می‌خواهیم ببینیم بین قوم-گرایی و متغیرهای زمینه‌ای پژوهش رابطه‌ای وجود دارد؟ در صورت وجود رابطه شدت این رابطه چگونه است؟ میانگین قوم‌گرایی برای قوم تات ۴.۱۸۰، برای قوم ترک ۴.۴۲۸، برای قوم ترکمن ۵.۱۴۵، فارس برابر با ۴.۰۲۲ و برای کردها برابر با ۴.۴۳۷ است که می‌توان گفت قوم ترکمن بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی و قوم فارس کم‌ترین میزان قوم‌گرایی را داشته است. نتیجه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که اختلاف میانگین بین اقوام معنادار است (sig: .000، df: 4، f: 7.759). میانگین قوم‌گرایی پاسخ‌گویان مورد پژوهش به ترتیب برای پایگاه پایین برابر با ۴.۷۹۸، میانی برابر با ۴.۴۳۳ و بالا برابر با ۳.۹۶۴ است. بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی را پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه پایین داشته و کم‌ترین میزان قوم‌گرایی را پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه بالا داشته‌اند. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد بین پاسخ‌گویان بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی در گرایش به قوم‌گرایی اختلاف معنادار وجود دارد (sig: .009، df: 2، f: 4.774). اما با وجود این‌که این رابطه معنادار است اما میزان اثر از قوت چندانی برخوردار نیست. یافته دیگر نشان می‌دهد بین مذهب شیعه و سنی و قوم‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد (sig: .081، df: 498، t: 5.077). هم‌چنین میانگین قوم‌گرایی برای نسل چهارم (۱۸-۲۶ سال) برابر با ۴.۳۷۲، برای نسل سوم (۲۷-۴۶ سال) برابر با ۴.۴۲۰، برای نسل دوم (۴۷-۶۴ سال) برابر با ۴.۵۴۸ و برای نسل اول (۶۵ سال به بالا) برابر با ۵.۱۳۹ می‌باشد که می‌توان گفت گروه نسل اول بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی و گروه نسل چهارم کم‌ترین میزان قوم‌گرایی را داشته‌اند. نتیجه آزمون تحلیل واریانس نیز نشان می‌دهد که این اختلاف میانگین بین گروه‌های نسلی معنادار نیست (sig: .264، df: 3، f: 1.328). هم‌چنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رابطه بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و گرایش به قوم‌گرایی معنادار است (sig: .001، df: 7، اما نسبت مجذور اتا (۰.۰۴۹) نشان می‌دهد که میزان این اثر اندک است. جدول زیر معناداری و اندازه اثر قوم‌گرایی با متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. رابطه قوم‌گرایی با متغیرهای مورد پژوهش

شرح رابطه	اندازه اثر	معناداری	قوم‌گرایی
قوم تات کم‌ترین میزان قوم‌گرایی و قوم ترکمن بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی را داشته‌اند.	اندک	√	قومیت
دو گروه شیعه و سنی مذهب، قوم‌گرایی مشابهی داشته‌اند.	-	-	مذهب
بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی را پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین و کم‌ترین میزان قوم‌گرایی را پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا داشته‌اند.	اندک	√	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
متغیر فاصله نسلی متغیر تاثیرگذاری بر قوم‌گرایی نیست.	-	-	فاصله نسلی
بی‌سوادها بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی و کم‌ترین میزان قوم‌گرایی را گروه تحصیلات دکتری داشتند.	اندک	√	تحصیلات

مندرجات جدول پنجم نشان می‌دهد؛ میزان قوم‌گرایی در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه متأثر از متغیرهای قومیت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی و تحصیلات پاسخ‌گویان بوده است به طوری که ترکمن‌ها بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی را داشته‌اند و همین‌طور افرادی که پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایینی داشته و بی‌سواد بودند نیز گرایش قوم‌گرایانه بالایی داشته‌اند اما دو متغیر فاصله نسلی و مذهب، متغیرهای تاثیرگذاری بر قوم‌گرایی نبودند.

۷. گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیستی و قوم‌گرایی

در این پژوهش فرض بر این بود که بین قوم‌گرایی و گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیسم (باستانی، مذهبی و مدنی) در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه وجود دارد. بدین منظور از آزمون همبستگی پیرسون بهره برده‌ایم.

۱.۷ ناسیونالیسم باستانی و قوم‌گرایی

نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد ($n=500$ ، $r=.23$ ، $p<.01$) رابطه مثبت و پایینی میان قوم‌گرایی و ناسیونالیسم باستانی در میان گروه‌های قومی مورد پژوهش وجود دارد. به عبارتی می‌شود گفت از یک سو گروه‌های قومی که قوم‌گرایی بالایی دارند گرایش بیش‌تری، به بعد باستانی ناسیونالیسم دارند. از سوی دیگر کسانی که گرایش بیش‌تری به بعد باستانی ناسیونالیسم دارند قوم‌گرایی بالایی هم دارند. اما برای این‌که بدانیم دو متغیر

مورد آزمون چه میزان اشتراک واریانس دارند ضریب تعیین را محاسبه کرده و درصد واریانس مشترک را بدست می‌آوریم. سهم واریانس مشترک برابر است با مربع میزان همبستگی بین دو متغیر ضرب در ۱۰۰ که در این جا برابر با تقریباً ۶ درصد می‌شود. یعنی این که هم‌پوشانی چندانی میان دو متغیر مورد آزمون نیست. بدین معنا که قوم‌گراها لزوماً باستان‌گرا نیستند و باستان‌گراها لزوماً قوم‌گرا نیستند.

۲.۷ ناسیونالیسم مدنی و قوم‌گرایی

نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد ($n=500$ ، $r=.13$ ، $p<.01$) رابطه مثبت و ضعیفی میان قوم‌گرایی و بعد مدنی ناسیونالیسم وجود دارد. یعنی از یک طرف کسانی که قوم‌گرایی بالایی دارند گرایش بیش‌تری هم به بعد مدنی ناسیونالیسم دارند و از طرف دیگر کسانی که به بعد مدنی ناسیونالیسم گرایش بیش‌تری دارند، قوم‌گرایی بالاتری هم دارند. با توجه به سهم تقریباً ۲ درصدی، واریانس مشترک هم‌پوشانی چندانی میان دو متغیر مورد آزمون نیست.

۳.۷ ناسیونالیسم مذهبی و قوم‌گرایی

نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد ($n=500$ ، $r=.24$ ، $p<.01$) رابطه مثبت و پایینی میان قوم‌گرایی و بعد مذهبی ناسیونالیسم وجود دارد یعنی می‌توان گفت از یک طرف گروه‌های قومی که قوم‌گرایی بالایی دارند گرایششان به بعد مذهبی ناسیونالیسم نیز بالاست و از یک طرف دیگر نیز می‌توان گفت گروه‌هایی که بیش‌تر به بعد مذهبی ناسیونالیسم گرایش دارند قوم‌گرایی بالاتری نیز دارند. با توجه به سهم ۶.۱ درصدی واریانس مشترک هم‌پوشانی چندانی میان دو متغیر مورد آزمون نیست.

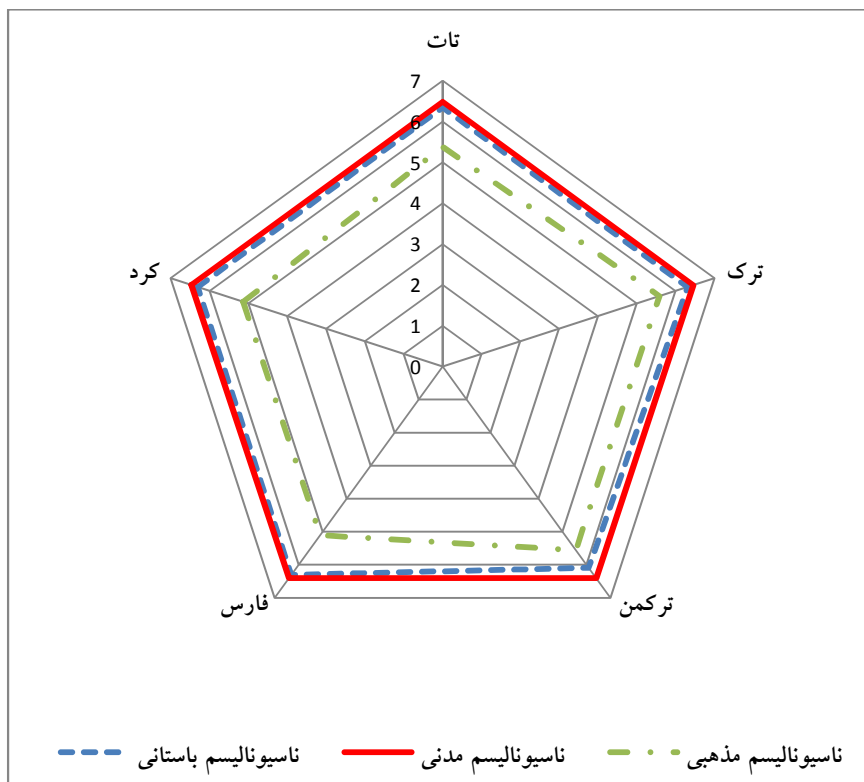
در بالا فرضیه‌های این پژوهش با متغیرهایی مانند: مذهب، فاصله نسلی، تحصیلات و پایگاه اجتماعی - اقتصادی در ارتباط با متغیر وابسته یعنی گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیسم ایرانی، قومیت و قوم‌گرایی، مورد آزمون قرار گرفت و نتایج آن گزارش شد. بنابراین از تکرار نتایج این فرضیه‌ها در این جا خودداری می‌شود. پیش‌تر با انجام آزمون تحلیل واریانس و آزمون‌های تعقیبی و تکمیلی دیگر در پی دریافت اختلاف معنادار گروه‌های قومی مورد پژوهش بودیم. اکنون می‌توانیم نتایج مربوط به هر نمونه قومی و نمونه کل را

در قالب جدول زیر تنظیم نمود. رتبه‌گرایی بر اساس میانگین تنظیم شده است و شدت‌گرایی بر اساس مقوله‌بندی میانگین نمرات بدست آمده بر حسب مقیاس صفر تا هفت به ترتیب از ۰ تا ۱۰ = بسیار پایین، ۱.۵۱ تا ۳ = پایین، ۳.۰۱ تا ۴.۰۵ = متوسط، ۴.۵۱ تا ۵.۵ = بالا و ۵.۵۱ تا ۷.۰۰ بسیار بالا گزارش شده است.

جدول شماره ۶. گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیسم، قومیت و قوم‌گرایی

گرایش	قومیت	تات	ترک	ترکمن	فارس	کرد	کل
باستانی	رتبه	اول	دوم	پنجم	چهارم	سوم	دوم
	شدت	بسیاریا	بسیاریا	بسیاریا	بسیاریا	بسیاریا	بسیاریا
مدنی	رتبه	اول	سوم	چهارم	پنجم	دوم	اول
	شدت	بسیاریا	بسیاریا	بسیاریا	بسیاریا	بسیاریا	بسیاریا
مذهبی	رتبه	سوم	اول	دوم	پنجم	چهارم	سوم
	شدت	بالا	بسیاریا	بالا	بالا	بالا	بالا
قوم-گرایی	رتبه	چهارم	سوم	اول	پنجم	دوم	چهارم
	شدت	پایین	پایین	متوسط	پایین	پایین	پایین

نتایج مندرج در جدول ششم نشان می‌دهد که در نمونه مورد پژوهش: در کل نمونه به ترتیب گرایش‌های مدنی، باستانی، مذهبی و قوم‌گرایی در میان گروه‌های قومی ساکن در شهر بجنورد اولویت دارند. گرایش مدنی اگر چه که بر اساس میانگین رتبه‌بندی شده است اما گروه‌های قومی مورد پژوهش (پنج‌گانه) گرایش بالایی نسبت به این بعد از ناسیونالیسم مدنی از خود نشان داده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت که گرایش مدنی اولویت اول تمام گروه‌های قومی مورد پژوهش بوده است. گرایش باستانی نیز در میان همه گروه‌های قومی از شدت بسیار بالایی برخوردار بوده است اما بر اساس رتبه‌بندی میانگین نسبت به ناسیونالیسم مدنی در رتبه دوم قرار دارد. گرایش مذهبی در میان قوم ترکمن بسیار بالا بوده و در میان چهار قوم دیگر بالا بوده است. قوم‌گرایی در میان ترکمن‌ها در حد متوسط و در میان سایر اقوام در حد پایین بوده است و از طرفی می‌توان گفت در کل گرایش به قوم‌گرایی در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه پایین بوده است و بعد از گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیسم در رتبه چهارم قرار دارد.

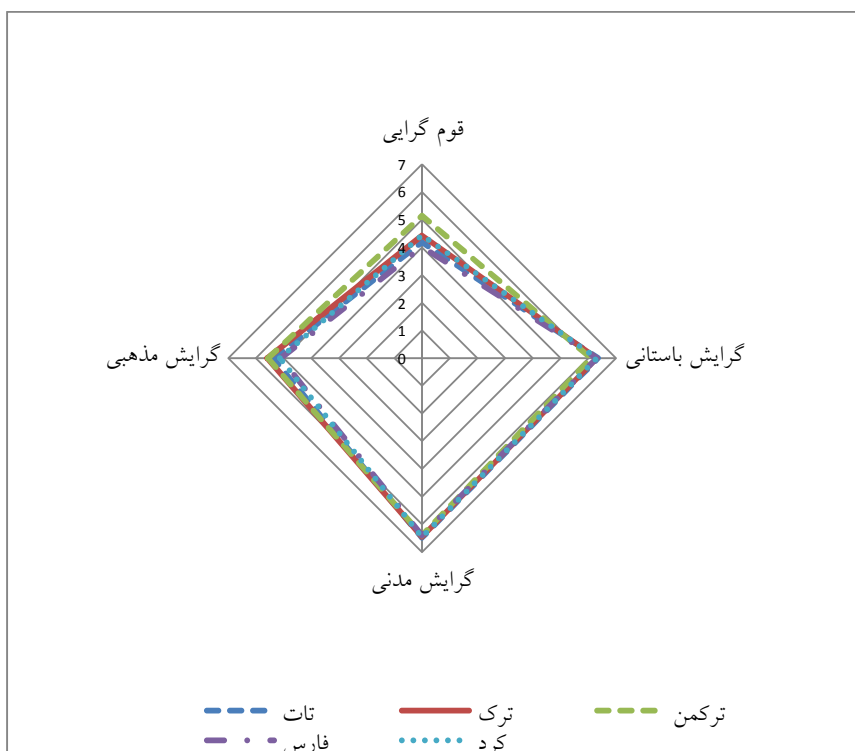


نمودار ۱. گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیستی و قوم‌گرایی پاسخ‌گویان مورد پژوهش

در نمودار شماره یک گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیستی و قوم‌گرایی هر کدام از اقوام به تفکیک ارائه شده است. مندرجات جدول نشان می‌دهد که همه‌ی اقوام با فاصله بسیار اندکی از هم گرایش بالایی به ناسیونالیسم مدنی داشته‌اند و همچنین گروه قومی تات بیش‌ترین میزان ناسیونالیسم باستانی را داشته و بعد از آن به ترتیب اقوام ترک، کرد، فارس و ترکمن قرار دارند. بیش‌ترین گرایش مذهبی را گروه قومی ترک داشته است و بعد از آن به ترتیب اقوام ترکمن، فارس، تات و کردها قرار دارند. همان‌طور که در نمودار بالا نیز قابل مشاهده است گرایش به قوم‌گرایی نسبت به سه بعد ناسیونالیسم پایین بوده است و در اولویت چهارم قرار دارد اما در میان گروه‌های قومی در پرایش به قوم‌گرایی نیز اختلاف وجود دارد به طوری که ترکمن‌ها بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی را داشته‌اند و بعد از آن‌ها نیز به ترتیب اقوام کرد، ترک، تات و فارس قرار دارند.

اولویت‌بندی گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیستی و قوم‌گرایی گروه‌های قومی به تفکیک قومیت:

اکنون ببینیم اولویت گروه‌های قومی مورد پژوهش در گرایش‌های ناسیونالیستی و قوم-گرایی چیست؟ نمودار ۲. گرایش‌های سه‌گانه ناسیونالیستی پاسخ‌گویان و قوم‌گرایی آنان را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. گرایش‌های ناسیونالیستی و قوم‌گرایی گروه‌های قومی مورد پژوهش

همان‌طور که در نمودار دو نیز قابل مشاهده است گروه‌های قومی مورد پژوهش به ترتیب دارای ناسیونالیسم مدنی، باستانی و مذهبی و قوم‌گرایی هستند. نکته‌ی دیگر این‌که در نمودار قابل مشاهده است هم‌پوشانی بالایی است که میان ناسیونالیسم مدنی و باستانی در میان گروه‌های قومی مورد مطالعه وجود دارد.

۸. ماتریس متغیرهای اصلی پژوهش

در پایان این فصل ماتریس همبستگی بین متغیرهای اصلی این پژوهش را ارائه می‌نماییم.
ماتریس همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش (n= 500)

متغیرها	بعد باستانی	بعد مدنی	بعد مذهبی	قوم‌گرایی	فاصله قومی
بعد باستانی	۱.۰۰۰				
بعد مدنی	.۶۳۴	۱.۰۰۰			
بعد مذهبی	.۱۹۸	.۲۳۲	۱.۰۰۰		
قوم‌گرایی	.۲۳۸	.۱۳۴	.۲۴۸	۱.۰۰۰	
	.۰۴۳	.۰۰۵	.۰۰۷	-.۰۱۰	۱.۰۰۰

همبستگی‌ها در سطح ۰.۰۵ و دوسویه معنا دار است.

بر پایه‌ی همبستگی‌های مندرج در جدول بالا می‌توان برخی از روابط بین متغیرها را دریافت. اگرچه پیش‌تر در آزمون فرضیه‌ها نیز به آن پرداخته شد. اما در این جا اشاره‌ای به آن‌ها می‌شود.

۹. بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین گرایش به ناسیونالیسم (باستانی، مدنی و مذهبی)، قومیت و قوم‌گرایی در میان گروه‌های قومی (تات، ترک، ترکمن، فارس و کرد) ساکن شهر بجنورد بود. چارچوب نظری پژوهش چارچوبی تلفیقی بود که در برگزیده عوامل پارادایم ازلی انگاری و هم عوامل پارادایم مدرنیسم که جدید هستند بهره برده شد که فرضیه‌ها از پارادایم نمادپردازی قومی و دیدگاه اسمیت و... استخراج گردید. یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر در خصوص متغیر وابسته، یعنی گرایش‌های ناسیونالیستی (باستانی، مدنی و مذهبی) حاکی از آن است که گرایش باستانی بر حسب قومیت، بیش‌ترین میانگین در میان قوم تات و کم‌ترین قوم ترکمن، بر حسب مذهب، بیش‌ترین میانگین مربوط به پاسخ‌گویان شیعه، بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی بیش‌ترین میانگین در میان پاسخ‌گویان طبقه پایین و کم‌ترین میانگین نیز مربوط به طبقه متوسط بوده است. همچنین گرایش باستانی در میان نسل‌های چهارگانه بیش‌ترین میانگین را در میان نسل اولی‌ها و کم‌ترین میانگین را نسل چهارمی‌ها داشته است. بر حسب سطح تحصیلات نیز بی سوادها بیش‌ترین میانگین گرایش باستانی و دکتری‌ها کم‌ترین گرایش را به خود اختصاص داده اند و مردها

نیز نسبت به زن‌ها باستان‌گراتر بوده‌اند. در ارتباط با گرایش مدنی ناسیونالیسم نتایج بیانگر آن بود با وجود این‌که گرایش همه اقوام فارغ از هر نوع قومیت، مذهب، طبقه، تحصیلات و ... بسیار بالا بوده است اما با وجود این اختلاف اندکی بین متغیرهای مورد نظر و ناسیونالیسم مدنی وجود داشته اما این اختلاف معنادار نبوده است و این نشان از فراقومیتی، فرا طبقه‌ای، فرا تحصیلی و فرا نسلی بودن ناسیونالیسم مدنی است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که گرایش مذهبی در میان ترک‌ها، سنی‌ها، پاسخ‌گویان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، نسل اولی‌ها، بی‌سوادها و زنان بالا و در میان فارس‌ها، شیعه‌ها، پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا، نسل چهارمی‌ها، فوق لیسانس‌ها و مردان پایین است. یافته‌های توصیفی پژوهش در خصوص متغیر قوم‌گرایی نشان دهنده این امر است که پاسخ‌گویان کرد نسبت به سایر قوم‌ها قوم‌گرایی بالایی داشته‌اند در حالی‌که قوم فارس کم‌ترین میانگین قوم‌گرایی را داشته است. هم‌چنین در ارتباط با قوم‌گرایی، شیعه‌ها، پاسخ‌گویان پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین، بی‌سوادها، نسل اولی‌ها و مردان، قوم‌گرایی بالایی داشته‌اند و در مقابل فارس‌ها، سنی‌ها، پاسخ‌گویان پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا، نسل چهارمی‌ها، دکتری‌ها و زنان گرایش‌های قوم‌گرایی پایینی دارند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ناسیونالیسم ایرانی واحدی وجود ندارد و ناسیونالیسم ایرانی دارای گرایش‌های متنوعی است. به نظر می‌رسد گروه‌های قومی ساکن در شهر بجنورد نیز برداشت‌های متفاوت و متنوعی از آن دارند و این موضوع هم از بررسی دگرگونی‌های ناسیونالیسم در دوره‌های مختلف تاریخی در ایران حکایت دارد و هم از نتایج آزمون‌های تجربی که در این رابطه انجام شده و همین‌طور نتیجه‌ای که در این آزمون بدست آمده است. داده‌های موجود این تحقیق نتایج تحقیق میرزایی (۱۳۹۰) را مبنی بر وجود تنوع گرایش‌های ناسیونالیستی در میان دانشجویان از اقوام مختلف کشور تایید می‌کند.

گرایش باستانی ناسیونالیسم ایرانی در بین گروه‌های قومی ساکن در شهر بجنورد در کل، از شدت بسیار بالایی برخوردار بوده است و با اندکی اختلاف در نهایت از نظر میانگین اولویت دوم کل جامعه آماری مورد نظر بوده است اما بین اقوام مختلف از جهت گرایش و شدت اختلاف وجود داشته است. در میان اقوام مورد پژوهش قوم تات بیش‌ترین میزان ناسیونالیسم باستانی را داشته و قوم ترکمن کم‌ترین میزان ناسیونالیسم باستانی را از خود نشان داده‌اند. داده‌های موجود این تحقیق نتیجه پژوهش میرزایی (۱۳۹۰) را از لحاظ

رتبه بندی کلی گرایش باستانی تایید می‌کند اما در کار میرزایی، بیش‌ترین باستان‌گرایی را قوم لر و فارس داشته و کم‌ترین باستان‌گرایی را قوم عرب داشته است. داده‌های موجود این تحقیق تاییدی بر این سخن بیگدلو (۱۳۸۰) است که می‌نویسد: باستان‌گرایی محصول عوامل متعدد داخلی و خارجی است که در بررسی آن باید ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی را در نظر گرفت چرا که هر کدام از این شرایط سرنوشت باستان‌گرایی را می‌تواند متحول کند. بنابراین می‌توانیم بگوییم که شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفاوت منجر به اختلاف در میان گروه‌های قومی بر سر گرایش و شدت آن‌ها به باستان‌گرایی می‌شود.

گرایش مدنی ناسیونالیسم ایرانی در بین گروه‌های قومی مورد پژوهش در کل از شدت بسیار بالایی برخوردار بوده است و در میان کل جامعه آماری نیز اولویت اول گرایش‌های گروه قومی مورد پژوهش بوده است این بدین معنی است که عام‌ترین گرایش ناسیونالیستی در میان اقوام مورد پژوهش گرایش مدنی است. اما بین اقوام مختلف از نظر شدت و گرایش آن‌ها اختلاف وجود دارد. تاها بیش‌ترین میزان ناسیونالیسم مدنی و فارس‌ها کم‌ترین میزان ناسیونالیسم مدنی را داشته‌اند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند هیچ کدام از متغیرهای زمینه‌ای از جمله قومیت، مذهب و پایگاه اجتماعی - اقتصادی و همین‌طور متغیر قوم‌گرایی و فاصله قومی با گرایش مدنی رابطه‌ی معناداری ندارند این نشان می‌دهد که گرایش به ناسیونالیسم مدنی جدای از اختلافات قومی، مدنی، مذهبی و... در میان گروه‌های قومی، از شدت بالایی برخوردار است که می‌توان گفت عام‌ترین گرایش ناسیونالیستی در میان گروه‌های قومی ساکن در شهر بجنورد، گرایش مدنی است. این یافته نه تنها در بین کل نمونه بدست آمده بلکه در بین گروه‌های قومی هر کدام به تفکیک نیز صدق می‌کند. برخی از یافته‌های این پژوهش نتایج تحقیق میرزایی (۱۳۹۰) را نیز تایید می‌کند.

گرایش مذهبی ناسیونالیسم ایرانی در میان گروه‌های قومی مورد پژوهش با این‌که در کل جامعه آماری از شدت بالایی برخوردار بوده است اما در میان این گروه‌های قومی به نسبت ناسیونالیسم مدنی و باستانی در مرتبه‌های پایین‌تری قرار داشته و اولویت سوم گروه‌های قومی بوده است اما با وجود این باز هم بین گروه‌های قومی بر سر گرایش و شدت به این ناسیونالیسم اختلاف وجود داشته است. ترک‌ها بیش‌ترین میزان ناسیونالیسم مذهبی را

داشته و فارس‌ها کم‌ترین گرایش را به ناسیونالیسم مذهبی داشته‌اند که داده‌های موجود این تحقیق برخی نتایج پژوهش میرزایی (۱۳۹۰) را تایید می‌کند.

قوم‌گرایی در میان گروه‌های قومی مورد پژوهش در کل جامعه آماری از شدت پایینی برخوردار بوده است بدین معنی که گروه‌های قومی تمایل پایینی به قوم‌گرایی داشته‌اند اما در این‌جا نیز در درون اقوام مختلف بر سر شدت و گرایش اختلاف وجود داشته است. ترکمن‌ها با این‌که قوم‌گرایی بالایی داشتند اما شدت قوم‌گرایی آن‌ها متوسط بوده است و فارس‌ها قوم‌گرایی پایین و شدت پایینی هم داشته است که داده‌های موجود در این تحقیق نتایج کار یوسفی و اصغرپورماسوله مبنی بر وجود میزان بالایی قوم‌مداری در میان همه اقوام ایرانی را رد می‌کند. یوسفی گزارش می‌کند که بیش‌ترین میزان قوم‌مداری را بلوچ‌ها و کم‌ترین میزان را عرب‌ها داشته‌اند در حالی که در این پژوهش بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی را ترکمن‌ها و فارس‌ها کم‌ترین میزان قوم‌گرایی را داشتند. همین‌طور داده‌های موجود این تحقیق نتایج پژوهش میرزایی را از جهت پایین بودن و اولویت چهارم گروه‌های قومی بودن قوم‌گرایی را تایید می‌کند با این تفاوت که در کار میرزایی دو قوم کرد و بلوچ بیش‌ترین میزان قوم‌گرایی را داشته‌اند در صورتی که داده‌های موجود این تحقیق حاکی از پایین بودن قوم‌گرایی کردهای ساکن بجنورد داشته است ولی هم در پژوهش میرزایی و هم در این پژوهش کم‌ترین میزان قوم‌گرایی را نیز فارس‌ها داشته‌اند.

کتاب‌شناسی

- آشوری، داریوش (۱۳۷۶) ما و مدرنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، بنیادهای هویت ملی ایرانی: چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۷)، هویت ایرانی به سه روایت، مجله فرهنگی هنری بخارا، شماره ۶۶.
- اشرف نظری، علی و خلیل‌تھماسبی، نوذر (۱۳۹۴)، ملت و ملی‌گرایی در نگاه انتقادی آنتونی اسمیت: مطالعه موردی ایران، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره ۳، ۹-۴۰.
- انتخابی، نادر (۱۳۹۰)، ناسیونالیسم و تجدد در ایران، تهران: نگاره آفتاب.
- اوزکریمی، اموت (۱۳۸۳)، نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- بیگللو، رضا (۱۳۸۰)، باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

توفیق، ابراهیم (۱۳۸۸) تاملاتی نظرورزانه درباره هویت ملی/ایرانی: آسیب شناسی گفتمان‌های هویتی و علوم اجتماعی، برگرفته شده از:

<http://towfigh.blogfa.com> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۰۹/۰۲)

جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۴)، «سازگاری و تعارض ناسیونالیسم با دموکراسی با اشاره به ایران»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره ۲۱.

جلائی پور، حمیدرضا و نظرعباسی، صدیقه (۱۳۹۰)، ناسیونالیسم قومی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان ترکمن استان گلستان)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، شماره ۱: ۱۱۹-۱۴۳.

جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۴)، ناسیونالیسم قومی در تجربه روس‌ها: نقد جمهوری خلق‌ها، نامه انسان-شناسی، سال چهارم، شماره ۷: ۲۸-۴۷.

دی اسمیت، انتونی (۱۳۹۴)، ناسیونالیسم و مدرنیسم، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.

رضوی آل هاشم، کاظمی، علی و رضوی، بهروز (۱۳۸۸)، هویت قومی، انسجام اجتماعی و امنیت ملی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶: ۱۶-۲۳.

سراج زاده، سید حسین و قادرزاده، امید و رحمانی، جمیل (۱۳۹۳)، مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۴: ص ۳-۲۹.

صالحی، سیدرضا (۱۳۸۵)، شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی و الزامات مدیریت تنوع، پژوهشنامه تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک، شماره ۸.

طالع، هوشنگ (۱۳۸۹)، ناسیونالیسم ایرانی، تهران: سمرقند.

قرلسفلی، محمدتقی و حبیبی رضی آبادی، اکبر (۱۳۹۵)، تاثیر جهانی شدن بر خاص‌گرایی‌های قومی در خاورمیانه (مطالعه موردی، ترکیه، عراق و سوریه)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۶، شماره ۴: ۹۹۴-۹۷۹.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۸) ناسیونالیسم در ایران، احمد تدین، تهران: کویر.

گلنر، ارنست (۱۳۸۸)، ناسیونالیسم، ترجمه سید محمدعلی نقوی، تهران: مرکز.

لاکوف، سنفورد (۱۳۸۴) «دموکراسی» ترجمه پری آزرمن‌وندی، در دایره‌المعارف ناسیونالیسم، جلد دوم، زیر نظر الکساندر ماتیل، ترجمه گروه مترجمان، تهران: وزارت امور خارجه.

میرزایی، سید آیت الله (۱۳۹۵)، ناسیونالیسم و مدرنیته سیاسی در مشروطه ایرانی، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۸، شماره ۲: ۱۷۱-۱۹۵.

میرزایی، سید آیت الله (۱۳۹۵)، ناسیونالیسم و قومیت در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۸، شماره ۱: ۳۲-۶۸.

میرزایی، آیت الله و قادری، طاهره (۱۳۹۰)، ناسیونالیسم ایرانی در سده نوزدهم. مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۱۸، شماره ۳۹: ۶۹-۱۰۳.

میرزایی، آیت الله (۱۳۹۰)، گرایش به ناسیونالیسم ایرانی در بین دانشجویان (با تأکید بر خاستگاه قومی آن‌ها)، استاد راهنما: طاهره قادری، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

محمدزاده، حسین (۱۳۹۰)، عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران، استاد راهنما: محمدرضا شادرو، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

هابزبام، اریک. جی (۱۳۸۳) ملت و ملی‌گرایی، ترجمه علی باش، مشهد: انتشارات مهر دامن.

یوسفی و اصغریپور ماسوله (۱۳۸۸)، قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران، دانش‌نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱.